

جهان بر پایه اصول ساده

نگارنده

سروان ابوالحسن نجفی کلیانی

(دانشجوی فیزیکی که پیش از این و اکنون نویسندگی، پیشه کرده است)

www.ketab.ir



انتشارات آریانیک

سرشناسه	: نجفی کلیانی، ابوالحسن، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: جهان بر پایه اصول ساده / نگارنده ابوالحسن نجفی کلیانی.
مشخصات نشر	: تهران: آریانیک، ۱۳۸۱
مشخصات ظاهری	: ۸۱ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۰۰-۱۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: نجفی کلیانی، ابوالحسن، ۱۳۶۶ - -- خاطرات
موضوع	: پلیس -- ایران -- خاطرات
	: Police -- Iran -- Diaries
رده بندی کنگره	: HV۸۲۴۲/۵۶
رده بندی دیویی	: ۳۶۳/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۰۵۴۰۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

به نام هستی بخش

عنوان: جهان بر پایه اصول ساده

نگارنده: ابوالحسن نجفی کلیانی

طراح جلد: مهشید هاشمی

نشر: آریانیک

چاپ و صحافی: نگارین

شابک: 978-964-7800-14-3

نوبت چاپ: بهار ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

۱.....	آغاز سخن.....
۲.....	موقعیت و پوشش گیاهی و جانوری روستای کلیان و بُناب.....
۴.....	سفر به کوهستان برای تهیه غسل زنبور وحشی.....
۶.....	فرهنگ، آداب و رسوم مردم روستا _ اصطلاحات رایج.....
۱۰.....	طبابت در روستا.....
۱۳.....	عزیمت به شهر برای ادامه تحصیل.....
۱۶.....	تحصیل در رشته فیزیک.....
۱۹.....	عازم سربازی شدم و.....
	سفر به تهران _ عزیمت برای گذراندن دوره آموزشی در دانشگاه پلیس _ نبرد اراده با مشکل
۲۱.....	سنگین وزن.....
۲۸.....	سفر به شهرستان آرزوبیه _ خدمت در پلیس آگاهی _ مشکلات شغل پلیسی.....
۳۷.....	سفر به بخش صوغان _ فرماندهی پاسگاه _ مشکلات شغل پلیسی.....
۳۹.....	خدمت در بردسیر و رفسنجان _ مشکلات.....
۴۴.....	رودربایستی و طمع، عناصر تشکیل پرونده کلاهبرداری.....

- فرار متهم در رفسنجان و ظاهر شدن ضعف زانو _ متهم را نجات دادم!..... ۴۵
- برگشت به خانه _ دست از پا دراز ترا!..... ۴۸
- پیکار اراده با بیماری بزرگ قرن _ کلیپوره ماموریتش را با موفقیت انجام داد!..... ۴۹
- روشی برای دور زدن خشم..... ۵۶
- بهترین اتفاق ممکن، اتفاقی میمون، به خوشمزگی نارگیل!!..... ۵۹
- خاصیت قلم، شکنندگی است..... ۶۱
- برگزاری مسابقه کشتی..... ۶۴
- زنبوری کار آگاه می شود!!..... ۶۶
- سخن پایانی..... ۶۹

سالیان دراز از خلقت انسان این موجود دو پا و باهوش می گذرد، وی از فوران هوشش بهره جست و بر طبیعت مسلط شد؛ شهرها را بنا کرد؛ ساختمانهای آسمان خراش در دل شهرها، پل های معلق در قلب دریاها، تاسیسات هسته ای در لب ساحل ها را به وجود آورد. دانشمندان تحقیقات بی وقفه خود را کماکان ادامه می دهند تا رازهای عالم را کشف نمایند. گویا این موضوع تمامی ندارد. هر کشفی، کشف دیگر را رهنمون می شود و ذوقی در دل بشر فوران می کند. هواپیماهای غول پیکر با غرششان در آسمان بیکران جلوه گری می کنند، خودمان را به ماه رساندیم و دلمان می خواهد مریخ را هم دستخوش تغییر قرار دهیم. نتیجه تلاش هایمان در آزمایشگاه ها، پیکر ویروس های حامل بیماری را در هم شکست. خطوط حامل پیام جایشان را به تابش الکترومغناطیسی دادند و قاطرها در قالب لندکروزرها جلوه گری کردند؛ اما هنوز نمی دانیم که انسان چگونه خلقت شده است. فیزیکدانان معتقدند که جهان با یک انفجار مهیب شکل گرفته است. ذرات حاصل از انفجار گرد هم آمدند و سیاره ها و ستاره ها و سایر اجرام آسمانی شکل گرفتند.

یک سوال ذهنم را مشوش ساخته است. به راستی آیا ما در حال پیشرفت هستیم یا پسرفت؟ لابد از خودتان می پرسید این چه سوال مسخره ای است؟ خب معلوم است ما کماکان در حال پیشرفت هستیم؛ اما من می گویم پیشرفتی در کار نیست. وقتمان را تلف کرده ایم. آری در نبود کردن طبیعت و به تبع آن، در نابودی خودمان، پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته ایم. چاه های نفت را به فوران مجبور کردیم و جنگ ها بر سر آن شکل گرفت. سایه جنگ باعث شد کارخانه های سلاح سازی در قلب اروپا جوانه زدند و خیلی زود به یک درخت تنومند تبدیل شدند.